

طنزآواری از ورنوسفاداران



طغترآوردیدین ۱۳۰۸خ. درورونوسفاداران (۱زاده شد.

احمدرضا دردیستان‌های هما و اسلامی، زیرنظر

ابراهیم همایی (۲) دانش آموخت و آموزش خط و مقدمات عربی را در مکتب خانه‌های زمانه اش فراگرفت.

او از ۱۴سالگی سرودن شعر را آغاز کرد و در سال ۱۳۲۸خ. به انجمن‌های ادبی اصفهان راه یافته و در مکتب صغیر اصفهانی دانش آموخت. او از سال ۱۳۲۹خ.، همکاری اش را با مطبوعات اصفهان، تهران و چند شهرد دیگر آغاز کرد. غفورزاده با مجله فکاهی ماه به مدیریت اسدالله شهرپاری، روزنامه فکاهی انتقادی چلویتگر به مدیریت محمدعلی افراشته و روزنامه توفیق در تهران، همچنین روزنامه‌های اصفهان به صاحب امتیازی امیرقلی امینی، هاتف اصفهان، شمع حقیقت، مکرم و اولیا همکاری داشت.

استاد طلابی در فروردین ۱۳۳۹خ. با همفکری و همت برادرش -علی غفورزاده متخلص به قیام- و گروهی از شاعران، نویسندگان و هنرمندان اصفهان، انجمن ادبی هنری سعدی را در اصفهان پایه گذاری کرد.

سروده‌های استاد طلابی، جایگاه بالایی در میان سروده‌های دینی و آیینی دارد. بخشی از آثار به یادگار مانده او به شرح زیر است:

- سروده‌های حاشیه زیارت عاشورا در فرش گرانبهایی که در سال ۱۳۴۶خ. با کرک و ابریشم، به دست هنرمندان اصفهانی بافته شد. این فرش در آرامگاه امام حسین (ع) نگهداری می‌شود.

- سروده‌ها و ماده تاریخ ضریح عباس بن علی (ابوالفضل علیه السلام) که در سال ۱۳۸۴ق.

به دست هنرمندان اصفهانی ساخته و اهدا شد.

- سروده‌ها و ماده تاریخ بافته شده بر فرش «هفت شهر عشق» که در سال ۱۳۹۱ق. به موزه امام هشتم (علی بن موسی الرضاعلیه السلام) اهدا شده‌است. -سه بیت سروده که بر روی سنگ آرامگاه عباس بن علی (ابوالفضل علیه السلام) سنگ تراشی شده‌است. - رباعی‌های حاشیه تابلوی زیارت وارث که به خط نصرالله معین نوشته و با تذهیب طلا، ساخته و پرداخته شده و در سال ۱۳۵۶خ. به آرامگاه امام سوم (حسین بن علی علیه‌السلام) اهدا شده‌است. احمدرضا غفورزاده و یا اگر بخواهیم به همان نامی که همگان می‌دانستند و می‌گفتند از نام پریم، یعنی استاد طلابی، مردی بسیار خوش خلق، خوش بوخودی و شیک پوش بود. عمای ویژه اش، کلاه پوستی مشکی اش، کت و شلوار قدیمی دوز، اما همیشه پاکیزه و اتوکرده اش و گل زنده یا گل مصنوعی سرچسب کت اش، از یاد دوستدارانش نمی‌رود.

او در ۲۳ فروردین ۱۳۸۱خ. درگذشت و در دامنه کوه امامزاده سید محمد و در کنار برادرش به خاک سپرده شد. (۲)

- غم مخور. (۴)

ای دل بریان برای مرغ بریان غم مخور /
بالبو خوش باش و از هجر فسنجان غم مخور
گر که ماه تیر گرمای خوری در آفتاب /
می رسدی ماه و سرمای زمستان، غم مخور
گردناری منزل و ماشین و فرش و زندگی /
آسمانت چُل بود، بستر بیابان، غم مخور
گرزنت زاییده و بی پولی و ناگه ز در /
سر رسید از بهر تو یک دسته هممان ، غم مخور
ای که هر شب مهوشان را دیده ای با اغنیا /
می روی روزی تو هم بر حور و غلمان، غم مخور
این شنیدستی که باشد زندگی از بعد مرگ /
پس در این دنیا ز درد و فقر و حرمان، غم مخور
گر، «طلائی»، کرده‌ای یک عمر بر مردم مستم /
توبه چون کردی، خدایت هست رحمان، غم مخور.

- ورنوسفاداران در شهرستان خمینی شهر استان اصفهان.
- برادر علامه جلال الدین همایی، ۲؛ بخش‌هایی از زندگی نامه استاد طلابی را حمید راستی روزنامه نگار در اختیار نگارنده قرار داده است. ۴. توفیق هفتگی، سال ۳۷، شماره ۲۰، پنجشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۲۷خ.، ص ۶.

| |
|--|
| کاشف + اصفهان |
|--|

قلعه تخت رستم کجاست؟

ل محاذی قریه دستجرد در طرف غربی کوه صفه که در جنوب شهر اصفهان واقع است، بالای کوه مرتفعی عمارت زیادی بود که آنجا تخت رستم می‌گفتند و نزدیکی آن قلعه دیگری بود معروف به «قلعه دیو». این دو اسم، اسم‌هایی است که در زمان کتیابان استعمال می‌شده‌ و آنچه راتاورنیه نوشته، سال ۱۶۳۸ تا ۱۶۶۳ میلادی که چندین سفر به ایران‌استد در طرف جنوب به مسافت دو فرسخ از اصفهان کوه بلندی است که در قله به طرف مغرب یک قلعه محکمی دیده می‌شود در اینجا داریوش خود را در زمان جنگ با اسکندر حفظ می‌کرده‌است.

«این نصف جهان؛ این اصفهان زیبا؛ اعجوبه عجایب؛ این گل سرخ باغ بهشت، صنم شاعران ایرانی است. جاده‌ها و مسیرهایش همه سرسبز و خرم اند؛ یک بهار ابدی بر این دره، همیشه مزین است، چندان که زمین بر آن حسادت می‌کند.

عطر گل‌های خوشبو چونان مشک است. نهرهای جاری آب زلال، همچون چشمه آب حیات. ورزش یاد از میان بیسه زاران خرم و دلگشا و درختان پرشاخ و برگ و انبوه. انعکاس صدای محزون کبوتر یا ناله بلبل. بارانی که تورا خیس می‌کند. آ‌ی اصفهان! از میان همه شهرها، شبنم آسمانی، تورا خنک و شاداب می‌سازد، هنگامی که غرشی رعدآسا در درو دست و آذرخشی چونان چشم افعی از میان

ابره‌های تیره و سنگین گذرمی‌کند. همدان، مکان پرلذتی است که هر کسی شوق زیستن در آنجا دارد، اما اصفهان، تصویری از بهشت است.» اینها توصیفاتی است که «مادام دیالاقو»ی فرانسوی در بدو ورودش به اصفهان می‌گوید. او و همراهانش از مسیرگز، هشت یا ۱۰ کوره راه باریک

را پیونده‌اند و به اصفهان رسیده‌اند. طی مسیر در همه طرف آنها تعداد زیادی قنات و نهرهای جاری آب بوده. این باستان شناس اصفهان عصر صفوی را این‌طور توصیف می‌کند: «دره‌ای که ما آن را مرکب هایمان چهارنعل و شتابزده طی کردیم، بین دو تپه قرار گرفته و انتهای آن با

تجربه یک زن فرانسوی از سفر به اصفهان عصر صفوی اصفهان تصویری از شب است

چندین کوه زیبا مسدود شده‌است. مسیر شکوهمند و زیبایی که گرمای رنگ‌های آن، یادآور رشته کوه‌های پنتلیک یالیامت است. این شهر، غرق شده در مهی نیلگون، گسترده در شیب تند صخره‌ها، دارای نوعی پوشش گیاهی منحصر به فردی است که همچون ردای سبزی برگرداگرد اصفهان کشیده شده‌است. در پرتو خورشید در حال غروب، درخش لعاب‌های کاشی‌ابی فیروزه‌ای مسجد شاه؛ در حالی که در پس زمینه آسمان، سایه‌های لطیف مناره‌های بلند و باریک همچنان ایستادگی می‌کنند؛ مناره‌هایی که شبیه برج‌های بسیار بلند کلیساهای گوتیک ماست.»

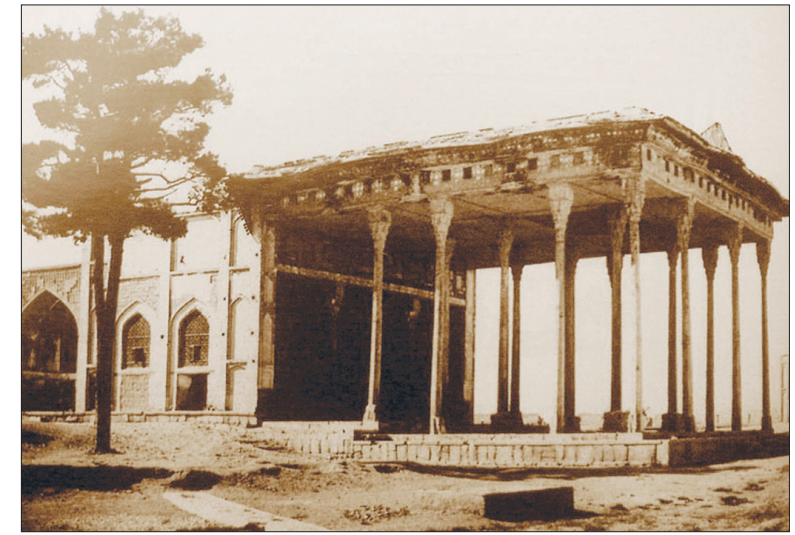


در پرتو خورشید در حال غروب، درخش لعاب‌های کاشی‌ابی فیروزه‌ای مسجد شاه؛ در حالی که در پس زمینه آسمان، سایه‌های لطیف مناره‌های بلند و باریک همچنان ایستادگی می‌کنند؛ مناره‌هایی که شبیه برج‌های بسیار بلند کلیساهای گوتیک ماست.»

صفهان زیبا

گزارش اکران مستند «بوی فرودین»

وقتی عمارت آئینه خانه بازسازی شد!



قبل از شروع اکران با پیش زمینه‌ای که مجری برنامه به تماشاگران داد، مشخص شد که مضمون این مستند برمی‌گردد به دوران درخشان حکومت صفوی در زمینه هنر و معماری و تخریب آثار تاریخی مهمی که در زمان حکومت قاجاریه رخ داده بود.

تخریب‌شده‌ها با ارزش تراز باقی‌مانده‌ها بودند امیرعلاعدیلی، فارغ التحصیل کارشناسی ارشد

معماری و کارگردان مستند «بوی فرودین»، به اصفهان زیبا گفت: «سلسله صفویه دوران درخشانی در تاریخ شهرسازی و معماری ایران است که باغ‌ها و کاخ‌های بنا شده در این زمان از لحاظ معماری بسیار با اهمیت بوده‌است و آثار به جای مانده، گنجینه‌ای ارزشمند در متن شهر به شمار می‌روند.

این در حالی‌است که اینبه‌ و آثار تاریخی ویران شده نسبت به میراث به جا مانده برتری‌های ویژه‌ای داشته‌اند.»

به گفته او، دوران قاجاریه زمان حاکمیت مسعود میرزا ظل السلطان در اصفهان بی‌توجهی به معماری و هنر به اوج خود می‌رسد تا حدی که به دستوری آثار ارزشمند معماری از جمله کاخ هفت دست، آئینه‌خانه و عمارت نمک دان در باغ سعادت آباد با خاک یکسان شدند.

عدیلی ادامه داد: «در روند پژوهش، جهت نگارش مقاله و فیلم‌نامه مدارک، ترسیمات، عکس‌ها و نقشه بناهای تخریب‌شده صفوی مجددا در مقیاس واقعی ارزیابی و با تحلیل و مقایسه ارکان و اجزای ساختمان‌های صفوی تکمیل شده‌ است و در نهایت مراحل شکل‌گیری یکی از این بناها به‌طور نمونه به صورت سه بعدی نمایش داده شده‌است.»

به گفته کارگردان مستند «بوی فرودین»، نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در مقاله‌های علمی و پژوهشی موجب بازآفرینی تصویری از کاخ تخریب‌شده «آئینه‌خانه» شد. فیلم‌نامه مستند هم براساس همین مقالات پژوهشی و با ترکیب تصاویر مختلف نوشته شده‌است.

او از مناره‌های اصفهان هم یاد کرده و نوشته: «در هر گوشه‌ای، برج‌های عظیمی پراکنده‌اند که با کاشی و آجر تزیین شده‌اند. این برج‌ها برای هدایت شمار آنبوهی از کبوتران است؛ کبوترانی که بر بالای سرما با سرو صدای زیاد می‌گذشتند. ابرزنده، روشنائی روز».

چهارباغ آن زمان به روایت زن فرانسوی اینگونه بوده‌است: «به ورودی چهارباغ رسیدم. این تفرجگاه با شکوه و زیبا، در عهد شاه عباس درختکاری شده‌است و به این نام خوانده می‌شود؛ چرا که به‌عنوان چهارموقوفه بسیار عالی شکل گرفته؛ موقوفاتی که متعلق است به یک مسجد و در اجاره مستخدمان پادشاه که پرداخت این اجاره سالیانه، ابدی و همیشگی خواهد بود.

اصفهان قدیم

جالب‌ترین قسمت برنامه بود. انگار که همه آنان منتظر در دل کردن در چنین جمعی بودند که این موضوع را نیز کیوان مطرح کرد و گفت خوشحال است که پس از مدت‌ها به همت محمد جوادکسایی فرصتی پیش آمده تا نگفته‌ها عنوان شود، انمسفر جالبی در فضا حاکم بود. پیشکسوتانی پشت تریبون و پیشکسوتان و علاقه‌مندانی نظاره‌گر و در کل، جمعی هم درد که گویی نازه یکدیگر را پیدا کرده‌اند. پس از آب شدن یخ‌ها در دقایق اولیه جلسه نقد در دل اساتید باز شد، اما انگار معلم تاریخ خیلی دلش پر بود و از آن جایی که به گفته خودش، خود را در مقابل تاریخ مسوول می‌دانست، نقد‌های تاریخی را بر مستند گذاشت.

در مقابل، جبل‌عاملی از ساختار مستند، از لحاظ بیان صحیح و دقیق نکات معماری و همچنین پژوهش‌های ریزبینانه از کارگردان ق‌دردانی کرد. پیشاپیی نیز نسبت به نقد‌های وارد شده بر ساختار‌های مستند از عدیلی دفاع کرد، در میان این کشمکش‌های لفظی و گرم شدن جلسه یکی از سالخوردهگان حاضر در جمع، دوربین به دست آن هم از نوع دیجیتال آن که به سن و سال ایشان نمی‌خورد شروع به عکاسی کرد که ناگهان کیوان از روی صحنه آزاو خواست تا او هم صحبت کند و به روی صحنه برود، حاضران همگی شگفت‌زده و منتظر بودند تا ببینند او چه می‌خواهد بگوید، او به محض قرار گرفتن پشت تریبون با لحنی گله‌مندانه گفت: «آثار ویران شده‌گذاشتند، به فکر آثاری باشیم که در زمان حال دارند ویران می‌شوند در این مسیر پیرشدم و کسی صدایم را نشنید». حال و هوای عجیبی در سالن بود. اشک در چشمان حضار حلقه زده بود، کیوان او را با نام موسی پور صدازد که ظاهرا یکی از قدیمی‌ترین عکاسان اصفهان محسوب می‌شود.

ما به جلسه اکران خصومی یک فیلم مستند دعوت شدیم. دوستی که از علاقه‌مان به معماری و تاریخ اصفهان خبر داشت، ما را به جلسه اکران «بوی فرودین» در کتباخانه مرکزی شهرداری اصفهان دعوت کرده بود. منتظر ورود به سالن اصلی بودیم که تعداد کثیری از اساتید معماری، تاریخ و فرهنگ و ادبیات اصفهان را ملاقات کردیم. کارگردان را نمی‌شناختیم اما با دیدن این بزرگان خیالمان راحت شد که با اثر قابل‌تاملی روبه‌رو هستیم. بالاخره درهای سالن اصلی باز شد و همه منتظر دیدن مستندی بودیم که برگزارکننده آن محمد جواد کسائی (پسر مرحوم حسن کسائی نوازنده معروف ن) بود. به جز خانواده مرحوم کسائی، اساتید بزرگی هم چون عبد الله جیل‌عاملی، مهدی کیوان و … هم در سالن حاضر داشتند.

دلسوخنگان تاریخ و معماری پشت تریبون نقد و بررسی طبق برنامه پس از اکران فیلم، جلسه نقد و بررسی با حضور دکتر عبدالله جیل‌عاملی (از اساتید برجسته معماری)، دکتر مهدی کیوان (از اساتید مطرح تاریخ) و پرویزیشاپایی (تهیه‌کننده) برگزار شد که جنجالی‌ترین



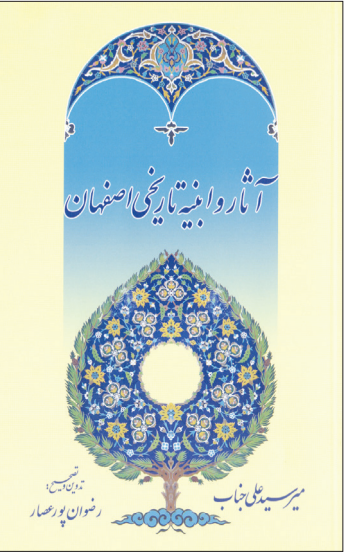
به جای مانده از عهد سلجوقیان مناره ساریان

مناره ساریان از ابنیه قبل از عهد صفوی است که تاریخ هم ندارد، مناره ساریان است. این مناره در شمال محله جوباره واقع شده و از زیباترین مناره‌های عهد سلجوقی است که دارای تزیینات آجری و کاشی‌کاری بوده و در قرن ششم هجری بنا شده‌است. مناره حدود ۵۴ متر بلندی دارد و از ارتفاعات درون و بیرومون شهر به خوبی مشاهده می‌شود و معروف ششم خالص معماری دوران سلجوقی شهر تاریخی اصفهان در مجموعه آثار تاریخی آن دوره است.

مسجد مناره‌وار هم محووبی اثر شده، به طوری که اطراف خارجی مناره کاملا باز است. در سرداب یکی از خانه‌های مجاور مناره قسمی از مناره آجرهایش در دیوار پیدا است و معلوم می‌شود ارتفاع مناره بیشتر از ۵۰ متر بوده‌است. طراحی متنوع، بدنه بیرونی این مناره آن راه هفت بخش متفاوت تقسیم بندی می‌کند. بخش اول آن، آجرچینی ساده‌است. بخش‌های دوم و سوم آن دارای تزیینات عالی آجرکاری است. بخش چهارم آن تاج اول (گلوگاه) مناره است که مقرنس‌های آجری همراه با کاشی‌های فیروزه‌ای بسیار زیبا دارد. بخش پنجم آن نیز تزیینات آجری است. بخش ششم آن تاج دوم مناره و بخش هفتم آن هم تارک مناره یا تاج اصلی است. در قاعده دو تاج این مناره، دو کتیبه بسیار زیبا از بهترین رنگ فیروزه‌ای کاشی دیده و خوانده می‌شود. کتیبه‌های موجود در مناره ساریان سه عدد هستند که با خط کوفی نوشته شده‌اند.

یک + کتاب

اصفهان به قلم جناب



«آثار و ابنیه تاریخی اصفهان» عنوان کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای است که به توضیح آثار تاریخی اصفهان می‌پردازد. روی جلد این کتاب دو نام به چشم می‌خورد؛ «میرسیدعلی

جناب» به عنوان نویسنده و «رضوان پورعصار» به عنوان تدوین‌گر و مصحح. طرح جلد کتاب که زیبا و قابل تامل است، توسط وحید شریفی کشیده و کتاب توسط کمپته گردشگری سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان منتشر شده‌است.

پورعصار در مقدمه کتاب می‌نویسد: «باز هم به حسن تقدیر و به میمنت اقبال تقویم، بخشی دیگر از مجموعه دست‌نوشته‌های محقق آگاه و صاحب‌اندیشه‌ای پرتلاش؛ در اختیارم قرار گرفت و فرصتی فراهم کرد تا با استعانت از دگاه ایزد منان پای در مسیری دیگر نهاده اصفهان. این شهر مالا مال از خاطرات و سانسرتوارریوری با مخاطرات رامنظری نوبه‌نظاره بنشینم و در خصوص جاودانگی‌های بررمز و زوآزان، جلوه‌وری قلمی توانمند را به حیطه ثبت و ضبط کشانده آنچه را که تندباد حوادث به دست فراموشی می‌سپردش در مقام میراثی ارزشمند به رسم امانت در اختیار آیندگان قرار دهم و پرسشگر این سوال گردم که آیا کسی می‌تواند تمامی عظمتی را که گذشتگان این دیار با عشق و شور و اخلاق در پرتو آمیختگی عناصری کاملا ساده و ابتدایی همچون سنگ و خاک با الهام از بارقه‌های معنوی خیال و کمال و منضم کردن نقوش رنگ‌گرفته و الوان ماورایی بر سطوح بنایی به وجود آورده‌اند، به تماشا بنشیند و مسحور آن همه زیبایی نشود و آفرین‌نگوید». میرسیدعلی جناب در سال ۱۳۴۶ هـ.ش متولد شد. او فردی در کسوت روحانیت بود که در قهقه و اصول تبحر داشت. در عین حال زبان فرانسوی، ریاضیات قدیم و جدید و هیات قدیم و نجوم جدید را به خوبی می‌دانست. جناب از افراد گمنامی است که در معماری و رشد و تعلیم مردم اصفهان نقش به سزایی داشته‌است. او سرانجام در سال ۱۳۰۷ هـ.ش در تهران درگذشت و در امام‌زاده عبدالله دفن شد.

از جمله آثار او می‌توان به «الاصفهان»، «فرهنگ مردم اصفهان»، «راهبر برای مسافرین اصفهان»، «فعالیت‌های فرهنگی بنادر جنوب (بوشهر) در شیخ‌نشین دویی»، «مشاهیر اصفهان» و «الفاظ و گویش محلات مختلف اصفهان» اشاره کرد.

میرسیدعلی در سال ۱۳۲۴ق. روزنامه «الجناب» را با چاپ سنگی در اصفهان منتشر کرد.

در کتاب «آثار و ابنیه تاریخی اصفهان» در بخش «تاریخچه شهر اصفهان» آمده: «اسپاهان یا سپاهان اسم ولایتی است که سلاطین قدیم ایران و سپاه کرمان و فارس و اهواز و جبال و را در آنجا مجتمع می‌کردند. بنابراین این کلمه مرکب است از «سپاهگ» و «ان» به معنی جای و محل. شهر و کرسی این ولایت وقتی اسبدان-محل اسب- بوده‌است که در دایره‌المعارف انسیکلوپیدی و جغرافیایی قدیم این اسم ذکر شده‌است و به قرینه طول و عرضی که شاردن نقل کرده، تصور می‌رود در اقصای فریدن بوده‌است که اهالی آن می‌گویند کاهه آهنگر در آنجا بوده و مافروخی هم تأیید آن دارد.»

تاریخچه اصفهان، معبد مارس، مناره‌های اصفهان، منارجنبان، مناره چهل دختران، مناره ساریان، عالی‌قاپو، قلعه بزی، قلعه تبرک اصفهان، قلعه تخت رستم، قلعه سارویه (ساروک)، سردرب کوشک، مسجد لبنان، مسجد خان، مقبره تاریخی قریه میسجد، لیل الله وردی خان، مسجد نوبهار، مسجد شیخ لطف‌الله، عمارت چهلستون، مسجد جامع عباسی، مسجد جامع عتیق، لیل زمان خان، پل شهربستان، مدرسه چهارباغ، عمارت هفت دست، پل خواجه، کوه صفه، پاره‌ای مقابرو امام زاده‌ها، میدان نقش جهان، فرح‌آباد اصفهان، پاره‌ای امکانه تاریخی دیگر، وجود بعض آثار عتیقه در اصفهان و عمارت و ابنیه قصوری که در زمان ظل السلطان خراب گردید همه از جمله بخش‌های مختلف این کتاب هستند.